



ورشکستگی، تسویه یا بازسازی

پرویز عقیلی کرمانی

چکیده

به نظر می‌رسد در این مقطع زمانی، اقتصاد متکی به بازار سیاست مورد قبول اقتصادی اکثر کشورهای جهان شده است. یکی از ویژگی‌های اصلی این سیاست، آسانتر کردن شرایط ورود به بازار برای بنگاه‌های جدید اقتصادی، نقل و انتقال ارز و فراهم آوردن بستر مناسب برای سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی است که سرانجام باعث افزایش رقابت شده و نتیجه آن به نفع مصرف‌کنندگان خواهد بود. در مقابل این سیاست، لازم است مؤسساتی که قادر به رقابت نیستند یا تجدید ساختار شوند تا در مقایسه با رقبا بتوانند فعالیت کنند، یا اینکه دوران فعالیتشان سرآمده و حفظ این بنگاه واقعاً جایز نیست. اکثر کشورهایی که در گذشته پیرو اقتصاد دولتی و کنترل شده بودند، امروزه علاوه بر آزادسازی‌های لازم برای تشویق رقابت و ترغیب به کارگیری سرمایه‌های داخلی و خارجی، وسایل خروج بنگاه‌های اقتصادی ناکار را در کشورهاشان، از طریق اجرایی کردن قوانین ورشکستگی پیشرفته که از دو قسمت بازسازی یا تسویه تشکیل شده است، فراهم کرده‌اند.

مقدمه

لغت ورشکستگی در انگلیسی^۱ ریشه ایتالیایی^۲ دارد (Economist February 24, 1990). معنی تحت لفظی آن "نیمکت یا صندلی شکسته" است به دوران قدیم روم زمانی که بازرگانان دور هم جمع شده معاملات روزانه را انجام می‌دادند، اگر بازرگانی به قول و قرار خود عمل نکرده و دین خود را در سررسید ادا نمی‌کرد، صندلی او را می‌شکستند. موضوع ادای دین آنقدر اهمیت داشت که حتی چارلز لمب (Charles Lamb 10/2/1775-27/12/1834) که به "دوست داشتنی‌ترین" نویسنده انگلیسی معروف است، در نوشته‌های خود به دارآویختن فردی که در پرداخت دیون خود نکول کرده را مجاز می‌دانست.

اولین قانون ورشکستگی در سال ۱۵۴۲ میلادی در پارلمان انگلیس تصویب و توسط هنری هشتم (Henry VIII) پادشاه انگلیس توشیح شد و به اجرا درآمد. در این قانون برای بدهکارانی که قادر به پرداخت دیون خود نبودند مدتی به‌عنوان حبس تادیبی تعیین می‌شد. برای این افراد زندانی ویژه ساخته شده بود که در نوشته‌های تاریخی از آن به اسم "زندان بدهکاران"^۳ نام برده شده است.

قانون ورشکستگی در کشورهای پیشرفته به مرور زمان دچار تغییراتی شد، به‌نحوی که در بعضی کشورها امروزه به شخص ورشکسته شانس دیگری داده می‌شود و در مورد بعضی شرکت‌ها نه تنها به تسویه و فروش دارایی‌ها منتهی نمی‌شود، بلکه با تجدید ساختار مالی و بازسازی ترازنامه این شرکت‌ها دوباره به فعالیت خود ادامه می‌دهند. از این جمله می‌توان به شرکت‌های کرایسلر^۴ و جنرال موتورز^۵ آمریکایی اشاره کرد که هر دو حدود چهار سال پیش با اعلام داوطلبانه ورشکستگی، تجدید ساختار کردند و هر دو امروز در حال فعالیت هستند.

قانون ورشکستگی مورد استفاده امروز در بسیاری از کشورهای دنیا در مقایسه با قانون ورشکستگی گذشته آن‌ها (که شباهت زیادی به قانون کنونی کشور خودمان می‌داشت) کاملاً متفاوت است. قوانین کنونی ورشکستگی که به‌راستی به معنای تسویه و یا بازسازی تعریف شده در اکثر کشورهای جهان با توجه به نکات زیر تدوین و به تصویب رسیده است:

- حقوق کدام گروه، طلبکاران یا بدهکاران نسبت به دیگری در اولویت است؟

¹ Bankruptcy

² Banca rotta

³ Debtor's Prison

⁴ Chrysler

⁵ General Motors

- ترتیب اولویت جایگاه طلبکاران چیست؟
- حقوق طلبکاران صاحب رهنه در چه اولویتی قرار دارد؟
- علت ورشکستگی چیست؟ "مالی" است یا "اقتصادی"؟
- اعلام ورشکستگی توسط طلبکاران به شرکت تحمیل شده یا داوطلبانه توسط مدیران شرکت برای تجدید ساختار شرکت انجام شده است؟
- و نکته مهمی که در مورد اشخاص حقوقی کاربرد دارد و در کشور ما بدان توجه نشده است:
- هدف نهایی از اعلام ورشکستگی آیا سرانجام "تسویه" شرکت تحت فشار مالی است یا "بازسازی" آن؟

تحقیقات حقوقی، مالی، اقتصادی و مقالات متعددی که حاصل این بررسی‌هاست نشان می‌دهد که در اکثر کشورهای جهان مطالعات گسترده‌ای در این زمینه انجام شده است. باید توجه کرد که تعادل بین حقوق طلبکار و بدهکار (یا سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر) به طور مستقیم در رشد اقتصادی کشور مؤثر است. اگر کفه ترازو به سمت حقوق طلبکاران سنگینی کند، سرمایه‌های لازم به راحتی تجهیز شده و آماده سرمایه‌گذاری خواهد بود (طلبکاران آتی). لیکن این وضعیت سبب خواهد شد که کار آفرینان و استفاده‌کنندگان سرمایه (بدهکاران آتی) رغبتی به توسعه فعالیت‌های کنونی خود یا ایجاد بنگاه‌های اقتصادی جدید نداشته باشند. نسبت به موضوع دیگری برای مثال، اگر بانک‌ها که برای اعطای تسهیلات معمولاً دارایی‌های شرکت‌ها را به رهنه می‌گیرند، در هنگام ورشکستگی این شرکت‌ها اولویتشان نسبت به دارایی‌ها خدشه دار شود، احتمالاً سیاست محافظه‌کارانه‌تری نسبت به اعطای تسهیلات اتخاذ خواهند کرد و عرضه سرمایه در چنین محیطی کاهش خواهد یافت. همین موضوعات ضد و نقیض سبب شده که تحقیقات در مورد قانون ورشکستگی آنقدر اهمیت پیدا کرده و در نتیجه قانون پیشرفته امروز حاصل شده که بنگاه‌هایی که شایسته بقا هستند، تجدید ساختار شوند و به فعالیت خود ادامه دهند و آن گروه که دیگر وجودشان توجیه اقتصادی ندارد و حفظ آن‌ها فقط هزینه سنگینی به اقتصاد کشور تحمیل کند از گردونه خارج شوند.

اینجا لازم است از آن دسته از کارشناسانی که به اقتصاد بازار اعتقاد دارند، لیکن در مورد قانون ورشکستگی سکوت اختیار کرده‌اند گله‌مند باشیم. آنان برای رشد اقتصادی کشور زحمات زیادی کشیده و به اتفاق مشوق خصوصی‌سازی "واقعی"، حذف یارانه‌ها، تعیین قیمت‌ها و نرخ سود بانکی و ارز و غیره توسط عوامل بازار بوده‌اند. افزون بر نکات بالا، این دوستان به یک نکته اساسی که اصطلاحاً "مقررات زدایی" نامیده شده نیز توجه کرده‌اند. این

ویژگی برای تشکیل سرمایه، تأسیس بنگاه‌های جدید اقتصادی، ایجاد اشتغال، افزایش رقابت، منتفع شدن مصرف‌کنندگان و افزایش رشد اقتصادی بسیار مؤثر بوده و ضروری است. لیکن موضوعی که بدان توجه نشده "مقررات خروج" شرکت‌های ناکارآمد و هزینه‌بر است که همیشه وبال گردن اقتصاد کشور بوده و هستند. مقررات خروج معمولاً در سایر کشورها در چارچوب "قانون ورشکستگی" تعریف می‌شود.

در حالت کنونی اقتصاد کشور که می‌بایست بیش از پیش به نرخ بازده سرمایه‌گذاری‌ها توجه شود، اهمیت یک "قانون ورشکستگی دو منظوره: تسویه و بازسازی"، مشابه آنچه در کشورهای پیشرفته دنیا در دست اجراست، برای احیای آن دسته از شرکت‌هایی که می‌بایست تجدید ساختار شوند تا به‌طور سالم به فعالیتشان ادامه دهند و آن گروه شرکت‌ها، بانک‌ها، بیمه‌ها، که نتوانسته‌اند در صحنه رقابت مستقلاً فعالیت کنند و دائماً محتاج کمک‌های دولت یا بانک مرکزی و بیمه مرکزی هستند، باید هرچه سریع‌تر از گردونه خارج شوند، ضروری است. بی‌تردید هزینه حفظ یک بنگاه ناکارآمد به مراتب بیش از تعطیلی آن بنگاه و پرداخت حقوق همیشگی به کارکنانش است.

در بخش دوم گزارش خلاصه‌ای از نکات عمده، اختلاف نظرها و تضاد منافع در مورد قوانین ورشکستگی جدید که در مقالات و مطالعات بیست سال اخیر ذکر و بررسی شده‌اند ارائه می‌شود. در بخش سوم گزارش، خلاصه‌ای از قانون ورشکستگی خودمان که از قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مورخ ۱۳۴۷ رونویسی شده ارائه شده است. همچنین کلیاتی از قانون ورشکستگی ایالات متحده آمریکا، به ویژه فصل هفتم و یازدهم (Chapters 7,11) بیان شده است. در همین بخش خلاصه قانون ورشکستگی جدید چین که در سال ۲۰۰۷ عملیاتی شده، توضیح داده شده است. در بخش چهارم نگاه اجمالی به نظام بانکی خودمان شده و پیشنهادهایی در مورد اصلاحات لازم ارائه شده است. این پیشنهادها باید به ترتیبی اعمال شوند که نه تنها به نظام بانکی کشور آسیبی وارد نشود، بلکه نظام بانکی کشور قویتر شده و فقط بانک‌های سودآور باقی بمانند تا مالیات دهنده به دولت باشند نه یارانه‌گیر از دولت و بانک مرکزی. سرانجام در قسمت جمع‌بندی و نتیجه‌گیری خلاصه مطلب ارائه شده و نتیجه‌گیری می‌شود که قانون کنونی ورشکستگی در کشور ما به معنای انحلال و تسویه تعریف شده، در صورتی که با تغییراتی در این قانون می‌توان از این ابزار کارا در بعضی اصلاحات اقتصادی استفاده کرد. فهرست مؤسسات بزرگ و زیان‌آور در کشور طولانی است. این شرکت‌ها با توسل به توجیه‌های به ظاهر ملی هنوز به فعالیت خود ادامه می‌دهند و هر ساله مبالغ هنگفتی بابت

آن‌ها هزینه می‌شود. این‌ها می‌بایست در چهارچوب قانون ورشکستگی جدید یا توان رقابتی پیدا کنند یا تعطیل شوند.

۱- مهم‌ترین نکات قانون ورشکستگی

۱-۱- حقوق طلبکار یا بدهکار

گفته می‌شود که یکی از دلایل مهاجرت زیاد اهالی انگلستان به آمریکا وجود زندان بدهکاران در انگلیس در مقایسه با رفتار ملایمتر با بدهکاران بدحساب در آمریکا بوده است. گفته می‌شد سرزمین جدید (آمریکا) به کارآفرین‌هایی که آمادگی تقبل ریسک داشته و ایجاد کار و فعالیت می‌کنند ارج می‌نهند و از ایشان استقبال می‌کند. آشکار است اگر قانون پشتیبان طلبکاران باشد، کارآفرینان را دفع می‌کند و برعکس اگر طرف بدهکاران را بگیرد، رغبت به سرمایه‌گذاری افت پیدا می‌کند. تعادل بین حقوق سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر مهم‌ترین موضوع در تدوین قانون ورشکستگی است.

۱-۲- ترتیب جایگاه طلبکاران

در اکثر قوانین ورشکستگی موضوع سلسله مراتب تقدم طلب اشخاصی که از شخص ورشکسته طلبکار هستند به دقت مشخص و اجرای آن ناگزیر است. این موضوع تحت عنوان قاعده تقدم مطلق^۱ شناخته شده و هرگونه پرداختی به طلبکاران در راستای تسویه طلب ایشان براساس این قاعده با اولویت طلبکار، قابل پرداخت است. در این قاعده سهامداران در درجه آخر اولویت قرار می‌گیرند و طلبکاران رهینه یا وثیقه‌دار نسبت به طلبکاران بدون وثیقه اولویت دارند. معمولاً اختلاف نظر در مورد حقوق و مطالبات کارگران در مقابل وضعیت طلبکاران رهینه‌دار است. در اکثر کشورها سعی می‌شود خدشه‌ای به حقوق طلبکاران وثیقه‌دار بابت مطالبات کارگران از شرکت ورشکسته وارد نشود. وضعیت مالیات‌های معوق شرکت ورشکسته نیز یکی از موارد اختلاف نظر است. در بعضی کشورها مسئولیت این دو بدهی اولویت‌دار^۲ به عهده هیئت مدیره گذارده شده است.

^۱ APR: Absolute Priority Rule

^۲ Priority Obligation

۳-۱- ورشکستگی مالی، اقتصادی

یکی از نکات پایه‌ای قانون ورشکستگی تشخیص علت واقعی مشکلات نقدینگی شرکت ورشکسته است. آیا این وضعیت موردی به علت عدم مدیریت صحیح منابع و مصارف شرکت است یا علت اصلی فعالیت و تولیدات شرکت است. آیا پیشرفت فناوری، شرکت ورشکسته را جا گذاشته؟ (مثلاً کداک) آیا هزینه‌های فروش، شرکت را از صحنه رقابت خارج کرده است؟ (مثال Sears در مقابل Wal Mart). به هر صورت همان‌طور که انسان‌ها می‌میرند، شرکت‌ها هم می‌توانند از بین بروند به فهرست شرکت‌های داوجونز (Dow Jones) آمریکا در پیوست ضمیمه دقت شود. از ۳۰ شرکت بزرگ آمریکا در آخرین فهرست DJ هفده شرکت در سال ۱۹۸۵ یا وجود نداشتند یا خیلی کوچک‌تر از آن بودند که در فهرست DJ بیایند.

۴-۱- دادگاه و قاضی

در چین از دادگاه‌های عادی استفاده می‌شود. قضات در صورت لزوم از اشخاص صاحب نظر و مورد اطمینان دادگاه یا مؤسسات حرفه‌ای برای مشاور استفاده می‌کنند. در آمریکا دادگاه‌های مخصوص و قضات ماهر به امور مالی شرکت‌ها استفاده می‌شود. باید توجه داشت که نقش دادگاه و قاضی بسیار حیاتی است، چون این قاضی است که در مورد تجدید ساختار یا تسویه شرکت پس از بررسی اطلاعات تسلیم شده به دادگاه تصمیم‌گیری ارسال می‌کند.

۵-۱- مدیریت شرکت در دوران ورشکستگی

در بعضی کشورها مثلاً آمریکا مسئولیت مدیریت شرکت برعهده مدیران قبل از ورشکستگی محول می‌شود. در آلمان به یک مؤسسه حسابرسی یا دفتر حقوقی این مسئولیت واگذار می‌شود. مقالات خوبی در مورد نظریه نمایندگی^۱ در زمان ورشکستگی نوشته شده است. آیا مدیران با اعلان ورشکستگی شرکت منافع درازمدت سهامداران را مدنظر قرار می‌دهند یا منافع کوتاه‌مدت خودشان را؟ آیا درخواست اعلان ورشکستگی توسط طلبکار تسلیم دادگاه شده یا توسط مدیران شرکت به صورت داوطلبانه بوده است؟

^۱ Agency Theory

۲- خلاصه قانون ورشکستگی در ایران، آمریکا و چین

۲-۱- قانون ورشکستگی در ایران

بخش ورشکستگی قانون تجارت که از باب یازدهم قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مورخ ۱۳۴۷ شروع می‌شود از ۶ باب، ۱۸ فصل، ۱۰ مبحث، ۵ فقره و ۱۸۹ ماده تشکیل شده است. باب یازدهم، فصل اول، ماده ۴۱۲ ورشکستگی را چنین تعریف کرده است:

"ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تادیه وجوهی که برعهده اوست حاصل می‌شود."

فصل‌های دوم، سوم، چهارم و پنجم به ترتیب در مورد اعلان ورشکستگی و آثار آن (مواد ۴۲۶-۴۱۳)، در تعیین عضو ناظر (مواد ۴۳۲-۴۲۷)، در اقدام به مهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت به ورشکسته (مواد ۴۳۹-۴۳۳) و در مورد مدیر تسویه و روش تعیین او (مواد ۴۴۲-۴۴۰)، توضیح می‌دهند. فصل ششم در مورد وظایف مدیر تسویه طی پنج مبحث به ترتیب کلیات (مواد ۴۵۰-۴۴۳)، مبحث دوم در رفع توقیف و ترتیب صورت‌داری‌ها (مواد ۴۵۵-۴۵۱)، مبحث سوم در فروش دارایی‌ها وصول مطالبات (مواد ۴۶۰-۴۵۶)، مبحث چهارم در اقدامات تأمینیه (ماده ۴۶۱) و سرانجام مبحث پنجم در تشخیص مطالبات طلبکارها (مواد ۴۷۵-۴۶۲) توضیح می‌دهد.

فصل هفتم در مورد قرارداد ارفاقی و تسویه حساب تاجر ورشکسته طی سه مبحث به ترتیب در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آن‌ها (مواد ۴۷۸-۴۷۶)، مبحث دوم در قرارداد ارفاقی طی سه فقره در ترتیب قرارداد ارفاقی (مواد ۴۸۸-۴۷۹)، در آثار قرارداد ارفاقی (مواد ۴۹۱-۴۸۹) و فقره سوم در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی (مواد ۵۰۳-۴۹۲) توضیح می‌دهد. در مبحث سوم این فصل در تفریغ حساب و ختم عمل ورشکستگی (مواد ۵۱۳-۵۰۴) توضیح می‌دهد.

فصل هشتم در اقسام مختلف طلبکارها و حقوق هر یک از آن‌ها طی دو مبحث به ترتیب در مورد طلبکارهایی که رهینه منقول دارند (مواد ۵۱۷-۵۱۴) و مبحث دوم در طلبکاری که نسبت به اموال غیرمنقول حق تقدم دارند (مواد ۵۲۱-۵۱۸) توضیح می‌دهد.

در قسمت آخر باب یازدهم در فصل‌های نهم - دهم و یازدهم به ترتیب در تقسیم بین طلبکارها و فروش اموال منقول (مواد ۵۶۷-۵۲۲)، در دعوی استرداد (مواد ۵۳۵-۵۲۸) و از طریق شکایت از احکام صادره درباره ورشکستگی (مواد ۵۴۰-۵۳۶) توضیح داده شده است.

باب دوازدهم در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب طی چهار فصل به ترتیب در ورشکستگی به تقصیر (ماد ۵۴۸-۵۴۱)، فصل دوم در ورشکستگی به تقلب (مواد ۵۵۰-

۵۴۹)، فصل سوم در جنحه و جنایاتی که اشخاصی غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب می‌شوند (مواد ۵۵۸-۵۵۱)، و فصل چهارم در اداره کردن اموال تاجر ورشکسته در صورت ورشکستگی به تقصیر یا تقلب (مواد ۵۶۰-۵۵۹) توضیح داده شده است. در باب‌های سیزدهم و چهاردهم به ترتیب در مورد اعاده اعتبار (مواد ۵۷۵-۵۶۱) و اسم تجاری (۵۸۲-۵۷۶) توضیح داده شده است. در باب پانزدهم - شخصیت حقوقی طی دو فصل به ترتیب در مورد تعریف شخصیت حقوقی (مواد ۵۸۷-۵۸۳) و در فصل دوم در حقوق، وظائف اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی (مواد ۵۹۱-۵۸۸) و سرانجام در باب شانزدهم - مقررات نهایی طی (مواد ۶۰۰-۵۹۲) توضیح داده شده است.

منظور از ارائه جزئیات قسمت‌های مختلف قانون ورشکستگی خودمان در این است که نشان دهیم تمرکز قانون روی انحلال فعالیت بنگاه اقتصادی و تسویه بدهی‌های شخص ورشکسته از محل "فروش" اموال و دارایی‌هاست و نه از محل احیای بنگاه، تجدید ساختار آن و به‌کارگیری دوباره دارایی‌ها و پرداخت بدهی‌ها از محل درآمدهای حاصل از فعالیت دوباره بنگاه ورشکسته.

۲-۲- قانون ورشکستگی در آمریکا

تاریخچه قانون ورشکستگی در آمریکا به ۱۸۰۰ میلادی بر می‌گردد که از همتای انگلیسی‌اش اقتباس شده بود. طی قرن نوزدهم چندین بار تغییراتی در قانون مذکور داده شد تا سرانجام در سال ۱۸۹۸ قانون ورشکستگی ملقب به قانون نلسون^۱ که اساس رابطه بین طلبکار و بدهکار را تعریف می‌کرد، به تصویب رسید. در سال ۱۹۳۸ قانون ملقب به چندلر^۲ که در آن امکانات بیشتری به "بدهکاران" داده شد که بتوانند در صورتی که منافع شرکت ایجاد می‌کرد، داوطلبانه اعلان ورشکستگی کنند، در ضمن اختیارات بی‌سابقه‌ای هم به سازمان بورس اوراق بهادار^۳ برای نظارت به امور شرکت‌هایی که از قانون ورشکستگی استفاده می‌کردند، واگذار نمود.

تمامی قانون ورشکستگی در سال ۱۹۷۸ بازنویسی شد و این قانون جدید با تغییراتی که پس از آن در آن داده شد، امروز مورد استفاده قرار می‌گیرد. قانون ورشکستگی در باب

^۱ Nelson Act

^۲ Chandler Act

^۳ Securities and Exchange Commission

یازدهم قوانین ایالات متحده آمریکا^۱ تعریف شده است. فصل‌های یک، سه و پنج به ترتیب در مورد شرایط عمومی، اجرایی کردن پرونده، وضعیت بدهکار و طلبکار و اموال توضیحات و راهنمایی‌های لازم داده شده است.

فصل هفتم تقریباً معادل قانون ورشکستگی خودمان است. در این فصل کلیه نکات در مورد "تسویه" بدهی‌ها از طریق فروش اموال و دارایی‌ها مطرح شده است.

مبحث اول در مورد مدیران و امین^۲ و وظایف هر کدام، کمیته طلبکاران مبحث دوم در مورد وصول مطالبات، فروش دارایی‌ها، تقسیم منابع و اموال. مبحث‌های سوم و چهارم، پنجم در مورد ورشکستگی و عمل تسویه سه حرفه واسطه‌گری تعریف شده است که به ترتیب عبارت‌اند از: کارگزاران بورس، کارگزاران کالا و مؤسسات اطاق‌های پایاپای.

فصل نهم در مورد "تعدیل" و "تسویه" بدهی‌های شهرداری‌ها بحث می‌شود.

فصل یازدهم هدف اصلی این فصل احیا و بازگردانی شرکت‌ها به حالت اول پس از تجدید ساختار است.

هر آنچه معمولاً خود شرکت (بدهکار) است که به دادگاه ورشکستگی که در محدوده دفتر مرکزی شرکت قرار گرفته، مراجعه می‌کند و مدارک لازم (به شرح زیر) و درخواست اعلان ورشکستگی را به دادگاه تسلیم می‌کند، لیکن این امر می‌تواند توسط یکی از طلبکاران نیز انجام شود.

الف- فرم شماره (۱)، درخواست یا عرض حال ورشکستگی

ب- صورت دارایی‌ها و بدهی‌های شرکت

ج- صورت درآمدها و هزینه‌های جاری شرکت

د- صورت قراردادهای ناتمام در مورد بعضی وسائل و اموال شرکت شامل قراردادهای لیزینگ که بعضی دارایی‌های در اختیار شرکت متعلق به دیگران است.

ح- توضیح وضعیت مالی شخص (بدهکار) اعم از حقیقی یا حقوقی

¹ Code of Laws of the United States

² Trustee

فصل یازدهم قانون ورشکستگی آمریکا معمولاً برای تجدید ساختار شرکت‌ها استفاده می‌شود و معمولاً طبق بند ۱۱۰۷ قانون، مسئولیت اداره شرکت به مدیر شرکت^۱ محول و اموال شرکت به صورت امانت در اختیار او قرار می‌گیرد.

- نقش امین دولتی یا مدیر ورشکستگی^۲

سرکشی و نظارت بر انجام امور توسط مدیر تعیین شده (DIP) و دریافت گزارش‌های دوره‌ای (روزانه، هفتگی و ماهانه) بررسی دریافت‌ها و پرداخت‌ها و غیره. در صورتی که مدیر تعیین شده (DIP) اطلاعات درخواست شده امین را به موقع در اختیار او نگذارد، امین می‌تواند از دادگاه تغییر مدیر یا تغییر درخواست شرکت (مثلاً از بازسازی به تسویه) را بکند.

- کمیته طلبکاران

کمیته طلبکاران نقش عمده در اجرای فصل یازدهم قانون ورشکستگی دارد. این کمیته توسط امین دولتی از بین طلبکاران بدون وثیقه، معمولاً هفت طلبکار بزرگ بدون وثیقه شرکت ورشکسته، تعیین می‌شوند. این کمیته با مدیر شرکت (DIP) در مشورت است تا امور شرکت به نحو درست پیش رود. کمیته طلبکاران با تأیید دادگاه ورشکستگی می‌تواند وکیل، حسابدار یا افراد حرفه‌ای دیگر به استخدام درآورده از خدمات ایشان استفاده کنند. کمیته طلبکاران حافظ و ناظر خوبی برای حفظ اموال شرکت و صحیح عمل کردن مدیر تعیین شده است.

- تعیین یک امین مخصوص^۳

در حالت‌های استثنایی که موضوع دزدی، کلاهبرداری و بی‌لیاقتی در مدیریت شرکت ورشکسته در کار باشد، هر ذی‌نفعی می‌تواند پیش از تأیید دادگاه ورشکستگی به اجرای فصل یازدهم قانون ورشکستگی، از دادگاه بخواهد یک امین مخصوص یا یک ناظر^۴ برای مدیریت شرکت ورشکسته به جای مدیر شرکت (DIP) انتخاب کند.

¹ DIP: Debtor In Possession

² Bankruptcy Administrator

³ Case Trustee

⁴ Examiner

نقش ناظر

تعیین ناظر معمولاً به ندرت اتفاق می‌افتد، اگر امین دولتی یا مدیر ورشکستگی احتیاج به تحقیق در امری داشته باشد از ناظر برای بررسی مربوط استفاده می‌کند.

- دوره توقف یا مکث^۱

به دوره زمانی گفته می‌شود که پیش از تسلیم درخواست یا عرض حال ورشکستگی به دادگاه که طلبکاران از هرگونه اقدامی بابت هرگونه طلب یا حقی از بدهکار، علیه بدهکار منع شده‌اند. پس از تسلیم درخواست به دادگاه این وضعیت به صورت خودکار انجام آن ناگزیر است. این دوره مکث یک فرصتی به بدهکار می‌دهد که با طلبکاران، به‌ویژه در مواردی که برای شرکت مشکل‌ساز بوده‌اند گفت و گوهایی در راستای بهبود وضع شرکت انجام دهد.

برنامه تجدید ساختار

بدهکار (DIP) ۱۲۰ روز فرصت دارد که برنامه تجدید ساختار شرکت را تهیه و به دادگاه تسلیم کند. دوره زمان تعیین شده برای تهیه برنامه که به صورت انحصاری در اختیار بدهکار (DIP) است تا ۱۸ ماه قابل تمدید است. در پایان این دوره هر طلبکار یا امین مخصوص می‌تواند برنامه فعالیت شرکت را تهیه و به دادگاه تسلیم کند. فعالیت شرکتی که در فصل یازدهم ورشکستگی قرار گرفته می‌تواند برای سال‌ها ادامه پیدا کند، مگر آنکه دادگاه، امین دولتی، کمیته طلبکاران، یا هر ذی‌نفع دیگری بتواند برنامه جایگزینی که قابل قبول باشد برای خاتمه وضعیت پیشنهاد کند.

نقل و انتقالات قابل برگشت^۲

مدیر تعیین شده (DIP) می‌تواند هرگونه نقل و انتقالی که تا ۹۰ روز پیش از تاریخ تسلیم درخواست یا عرض حال ورشکستگی اتفاق افتاده باشد را برگشت دهد. هرگونه نقل و انتقال به اشخاص وابسته تا یک‌سال قبل از تاریخ اعلان ورشکستگی قابل برگشت است. سایر مواردی که در فصل یازدهم قانون ورشکستگی مورد توجه است عبارت‌اند از:
الف- آزادی عمل مدیر تعیین شده (DIP) برای فعالیت نرمال شرکت

¹ Automatic Stay

² Avoidable Transfers

ب - آمادگی مدیر تعیین شده (DIP) برای مقابله با اقدامات ایدائی توسط اشخاص که به علت دوره توقف/ مکث حقوق خود را از دست داده‌اند.

ج- یکی از اقداماتی که مدیر تعیین شده (DIP) برای حفظ حقوق بدهکار انجام می‌دهد به وثیقه گرفتن هرگونه اموال آزاد شرکت است که شخص دیگری نسبت به این اموال بدون رهنه برتری پیدا نکند.

فصل دوازدهم در مورد ورشکستگی کشاورزان و ماهیگیران با درآمد مشخص سالانه است.
فصل سیزدهم در مورد ورشکستگی اشخاص حقیقی با درآمد معین سالانه است.
فصل پانزدهم در مورد ورشکستگی شرکت‌هایی است که دارای فعالیت خارج از مرزهای آمریکا بوده و دارای دارایی و بدهی در محدوده‌های دیگر قانونی هستند.

۳-۲- قانون ورشکستگی در چین

قانون ورشکستگی در چین برای نخستین بار در سال ۱۹۰۶ میلادی سه یا چهار قبل از سقوط امپراطوری در زمان امپراطوری سلسله کوئینگ اجرایی شد. قانون مذکور در سال‌های ۱۹۱۵ و ۱۹۳۵ در دوران جمهوری چین بازنویسی و مورد استفاده قرار می‌گرفت. با به قدرت رسیدن کمونیست‌ها در سال ۱۹۴۹ و تشکیل دولت جمهوری مردمی چین، ورشکستگی دیگر معنا نمی‌داد و وجود قانونی هم برای این منظور لازم نبود. در سال ۱۹۸۶ پس از بیش از سی و شش سال، برای نخستین بار یکی از شرکت‌های دولتی ورشکسته اعلام شد و طبق دستورالعمل منحل شد. (این دستورالعمل قانون ورشکستگی مختص شرکت‌های دولتی بود).

قانون کنونی ورشکستگی چین به نام قانون ورشکستگی شرکت‌ها^۱ در اوت ۲۰۰۶ به تصویب رسید و از اول جون ۲۰۰۷ اجرایی شد. این قانون ضمن اینکه فقط در مورد شخصیت‌های حقوقی است، تشابه زیادی با قانون ورشکستگی آمریکا، به‌ویژه فصل یازدهم (تجدید ساختار و بازسازی شرکت‌ها) دارد.^۲

^۱ EBL: Enterprise Bankruptcy Law

^۲ در تاریخ ۶/۱۲/۲۰۰۷ یک نویسنده چینی به نام Shu - Ching Jean Chen در مجله فوربز (Forbes) ضمن گزارش تصویب قانون جدید می‌نویسد که چین اولین کشور آسیایی است که قانون ورشکستگی مشابه فصل یازدهم قانون ورشکستگی آمریکا را اجرایی کرده است.

۱-۳-۲- تاریخچه قانون جدید

لزوم تدوین یک قانون ورشکستگی جدید در سال ۱۹۹۴ احساس شد. پیش‌نویس اول این قانون در سال ۱۹۹۵ تهیه و در سال‌های بعد تغییراتی در آن داده شد تا سرانجام در ۲۷ اوت ۲۰۰۶ این قانون به تصویب رسید. مخالفت بانک‌ها (به علت حجم بالای تسهیلات سررسید گذشته به شرکت‌های دولتی) و سندیکای کارگری (به علت احتمال اخراج انبوه نیروی کار اضافی از شرکت‌های دولتی) از یک سو و تعارض در منافع دو گروه (بانک‌ها اصرار در حفظ حقوق طلبکاران رهنه‌دار بودند و کارگران بر اولویت حقوق کارگران بیکار شده پافشاری می‌کردند) سبب تاخیر در تصویب قانون شد.

طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۴ تعداد ۳۴۸۴ شرکت دولتی ورشکست شدند. بانک‌های دولتی مجبور شدند ۲۸/۵ میلیارد دلار تسهیلات سوخت شده هزینه کرده را از ترازنامه خارج کنند. در سال ۲۰۰۵ هنوز تکلیف ۱۸۲۸ شرکت دولتی که معادل ۱۴/۷ میلیارد دلار بدهی معوق به بانک‌ها داشتند، روشن نشده بود. وضعیت فوق از یک سو و رشد شدید اقتصادی و عضویت چین در سازمان تجارت جهانی^۱ و احتیاج به سرمایه‌گذاران خارجی از سوی دیگر، لزوم یک قانون ورشکستگی پیشرفته را الزامی کرد. از جمله نکاتی که می‌بایست در قانون جدید به آن توجه بیشتر می‌شد، وضعیت بانک‌ها بود. اکثر شرکت‌های دولتی با تسهیلات بانکی تأمین مالی شده بودند و این تسهیلات قسمت عمده‌ای از تسهیلات غیرجاری بانک‌ها را تشکیل دادند. مثلاً پس از انتقال هزارها میلیارد دلار تسهیلات غیرجاری به "شرکت‌های مدیریت تسهیلات غیرجاری بانک‌ها"، که بدین منظور تشکیل شده بودند، هنوز رقم تسهیلات غیرجاری بانک‌ها در سال ۲۰۰۷ حدود ۶/۲ درصد برآورد می‌شد که این رقم در مقایسه با ۲/۵ درصد که متوسط رقم مشابه ۱۰۰ بانک بزرگ دنیاست، بسیار بالا بود.

از آنجایی که قانون ۱۹۸۶ فقط برای شرکت‌های ورشکسته دولتی قابل استفاده بود، لزوم یک کمیته تسویه که توسط دولت تعیین می‌شد، در آن دیده شده بود. در قانون جدید وجود یک مدیر ورشکستگی برای نظارت به فعالیت بدهکار (شرکت ورشکسته) در دوران ورشکستگی لازم تشخیص داده شد. این شخص توسط دادگاه تعیین می‌شود و طلبکاران می‌توانند اگر از معلومات، تجربیات و یا تصمیمات این فرد رضایت نداشته باشند تعویض ایشان را از دادگاه بخواهند.

^۱ WTO: World Trade Organization

موضوع دیگر در قانون جدید امکان درخواست ورشکستگی توسط بدهکار برای تجدید ساختار شرکت است. البته وضعیت طلبکاران نیز در قانون جدید قویتر شده است چون کارگران حقوقی نسبت به دارایی‌های رهنه شده شرکت‌ها ندارند. یکی دیگر از نکات عمده قانون جدید سعی در تطبیق آن با بهترین‌های قوانین ورشکستگی کشورهای پیشرفته بوده است (از جمله آلمان، فرانسه، انگلیس و آمریکا).

برای جلوگیری از سوء استفاده از قانون جدید، بدهکاری که داوطلبانه به دادگاه مراجعه و تقاضای ورشکستگی به منظور تجدید ساختار می‌کند باید:

الف- در پرداخت بدهی در سررسید نکول کرده و طبق صورت‌های مالی شرکت نمی‌توانسته این بدهی را پرداخت کند.

ب- با استناد به گردش وجوه و ترازنامه شرکت، مدیریت می‌تواند توجیه تجدید ساختار را برای قاضی دادگاه ثابت کند.

مدیر ورشکستگی (نه مدیر تسویه) مخالف آنچه در آمریکا تحت فصل یازدهم رایج است که این مسئولیت به عهده مدیران شرکت محول می‌شود. می‌تواند یک شخص حقیقی مورد اطمینان به تشخیص قاضی و دادگاه باشد یا می‌تواند یک شخص حقوقی مانند مؤسسه حسابرسی یا دفتر وکالت حقوقی باشد (مشابه آلمان).

۲-۳-۲- اختیارات مدیر ورشکستگی

- در اختیار گرفتن دفاتر شرکت، مهر شرکت، حساب‌های بانکی شرکت و کلیه دارایی‌های شرکت
- بررسی وضعیت مالی بدهکار
- تصمیم‌گیری در مورد تعطیل یا ادامه فعالیت شرکت تا زمان نخستین جلسه با طلبکاران
- مدیریت یا فروش دارایی‌های شرکت به تشخیص خود

۲-۳-۳- وظایف دادگاه

نکته عمده در مورد دادگاه رسیدگی به پرونده ورشکستگی این است که مشابه آلمان و متمایز از آمریکا، پرونده شرکت موضوع ورشکستگی به دادگاه عالی (نه مخصوص ورشکستگی) واقع در محلی که دفتر اصلی شرکت قرار دارد ارجاع می‌شود. وظیفه اصلی دادگاه با استفاده از مشورت با کارشناسان و اطلاعات دریافت شده از شرکت نسبت به بازسازی یا تسویه شرکت تصمیم‌گرفته و مدیر ورشکستگی یا تسویه برای انجام امور تعیین کند.

۴-۳-۲- جلسه طلبکاران

- کلیه طلبکاران شرکت ورشکسته شامل نماینده کارگران و اتحادیه کارگران می‌توانند در این جلسه شرکت کنند.
- بررسی اسناد مربوط به طلبکاران و مبلغ بدهی شرکت به هر یک
- تصمیم‌گیری در مورد مدیر ورشکستگی پیشنهادی توسط دادگاه و تأیید یا درخواست تعویض ایشان
- نظارت بر عملیات مدیر ورشکستگی
- تصمیم‌گیری در مورد ادامه فعالیت شرکت
- انتخاب کمیته طلبکاران
- تصمیم‌گیری در مورد برنامه تجدید ساختار شرکت، امکانات مصالحه بین طلبکاران، انتخاب مدیران، تبدیل بدهی به سهام، یا نحوه فروش دارایی‌ها و تسویه بدهی‌ها.
- هرگونه مسئولیت دیگری که بر عهده طلبکاران توسط دادگاه گذارده شده است.

۵-۳-۲- کمیته طلبکاران

- نظارت بر فروش دارایی‌ها و تقسیم وجوه حاصل بین طلبکاران به ترتیب اولویت هر طلبکار
 - دعوت به جلسات بعدی طلبکاران
 - هرگونه مسئولیتی که دادگاه به عهده کمیته طلبکاران واگذار کند.
- نکته جالب اینجاست که به‌رغم اجرایی شدن قانون جدید ورشکستگی در چین در سال ۲۰۰۷، طی سال ۲۰۰۸ بیش از ۷۰۰ هزار شرکت کوچک و بزرگ در چین بسته شدند و تنها معدودی از آن‌ها از قانون ورشکستگی جدید استفاده کردند. به عبارت دیگر در کشوری که فرهنگ ورشکستگی معادل انحلال و تسویه شرکت‌ها بوده (مانند خودمان) نباید انتظار داشت که یک قانون پیشرفته بین‌المللی به راحتی در جامعه پذیرفته شده و فوری به‌صورت گسترده از آن استفاده شود. در نتیجه روش تجدید ساختار و بازسازی شرکت‌ها از طریق قانون جدید ورشکستگی هنوز برای مردم چین ناآشنا و به‌ندرت استفاده شده است.

۳- وضعیت نظام بانکی ایران

معمولاً پیش از هرگونه "اصلاحات" در وضعیت اقتصادی هر کشور، به ویژه در مورد شرکت‌های تولیدی، کشاورزی و بازرگانی باید وضعیت نظام بانکی آن کشور بهبود یابد. منظور از اصلاحات در

این گزارش حرکت به سوی واگذاری "سرنوشت" فعالیت‌ها و فعالان اقتصادی به عوامل بازار، در یک بستر سالم، همراه با رقابت کامل به بخش خصوصی واقعی از یک سو و نظارت دقیق دولت با هدف جلوگیری از هرگونه انحصار، تبانی، زد و بند درخفا، یا اعمال نفوذ مثبت و منفی، بر له یا علیه فعالیت اقتصادی توسط دولتمردان ذی‌نفوذ از سوی دیگر است. حرکت به سوی این وضعیت "آرمانی یا آرزویی"، که به نظر می‌رسد جمهوری مردمی چین به دنبال آن و با نتایج به‌دست آمده ارزنده، در حرکت است، باعث رشد اقتصادی و رفاه هرچه بیشتر جامعه خواهد شد.

به‌منظور اصلاح نظام بانکی لازم است دارایی‌های سمی^۱ یا تسهیلات غیرجاری بانک‌ها در یک مقطع زمانی از ترازنامه بانک‌ها خارج شود و ترازنامه آن‌ها اصطلاحاً تمیز شود. از آن تاریخ به بعد بانک‌ها باید متکی به خود و فعالیت صحیح بانکی خود باشند. بانک‌ها نمی‌توانند صندوق دولت یا شرکت‌های ورشکسته دولتی باشند و در طرف مقابل بدهکار به بانک مرکزی. در فصل قبل در مورد چین گفته شد که نزدیک به ۳۵۰۰ شرکت دولتی در یک دوره ده ساله از گردونه خارج شدند و هزینه آن برای نظام بانکی حدود ۳۰ میلیارد دلار تمام شد که بیش از مجموع سرمایه‌های کنونی تمام بانک‌های ما می‌باشد.

بنابراین اصلاح نظام بانکی از دو قسمت تشکیل می‌شود:

اول- تمیز شدن ترازنامه کلیه بانک‌ها، دوم- ترتیب فعالیت بعدی آن‌ها.

چون پاسخ بند (۲) ساده‌تر است اول به آن می‌پردازیم. در ابتدای این بخش صحبت از بستر سالم و رقابت کامل شد، بنابراین پس از اجرای بند (۱)، مدیران بانک‌های دولتی دیگر دلیلی بر عدم امکان رقابت به علت سنگینی وزن تسهیلات معوق دولتی نخواهند داشت و نظام بانکی کشور می‌تواند به سوی رقابتی شدن حرکت کند. در این صورت برنده اصلی مصرف‌کنندگان (سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان) خواهند بود. از آنجایی که احتمالاً بعضی از مدیران ما با نظام رقابتی نامأنوس هستند، ممکن است برای افزایش منابع بانک نرخ سپرده‌ها را زیادی بالا برده یا در جذب مشتریان خوب نرخ تسهیلات را زیادی پایین آورند. از سوی دیگر، با افزایش دارایی‌های بدون بازده که افزایش هزینه‌های بانک را هم در پی خواهد داشت، سودآوری بانک به مخاطره خواهد افتاد. هرکدام از این تصمیمات اگر بدون بررسی عواقب آن اجرایی شود، می‌تواند بانک را به ورشکستگی بکشاند.

¹ Toxic Assets

نقش بانک مرکزی در اینجا بسیار حیاتی است. به منظور جلوگیری از مشکلات بعدی بانکها باید بررسی‌های انجام شده که به استناد آنها تصمیمات گرفته می‌شود را برای آگاهی به‌طور کتبی به بانک مرکزی اعلام کنند و از نتیجه این تصمیمات و تأثیر آنها بر صورت‌های مالی بانک، بانک مرکزی مطلع شود. نظارت بانک مرکزی از راه دور و نزدیک به‌منظور تأکید بر شفافیت و انضباط در گزارش‌دهی صحیح و به موقع لازم است. اگر سهام بانکها در بورس اوراق بهادار قابل معامله باشند، مطمئناً وضعیت بانکهای مشکل‌دار خودش را در قیمت سهام بانک تجلی می‌دهد. این امر خود باعث رونق بازار ادغام (که اخیراً نمونه آن را شاهد بودیم) و اکتساب می‌شود و مؤسساتی که بازده مناسب ندارد از گردونه خارج شده و مؤسساتی که سودآورتر هستند بزرگ‌تر خواهند شد. اگر به هر دلیلی بازار سرمایه نتواند پاسخگوی مؤسسات مشکل‌دار باشد، صورت مسئله پاک نشده و سرانجام بانک مرکزی مسئولیت مدیریت بانک مشکل‌دار را برعهده گرفته، سپرده‌ها را تضمین و وصول تسهیلات و فروش دارایی را اجرا می‌کند. شاید روش رایج در آلمان یا چین، یعنی انتخاب یک مؤسسه حسابرسی یا یک دفتر حقوقی و یا یکی از هر دو گروه، بهترین روش برای تسویه بانک مشکل‌دار و ختم غائله باشد. به‌منظور تمیز کردن ترازنامه بانکها از دارایی‌های سمی یا تسهیلات معیوب^۱ می‌توان یکی از دو روش زیر که هر یک در چند کشور امتحان شده و جواب داده، استفاده کرد:

اول- تشکیل دو یا چند صندوق خرید تسهیلات سمی یا معیوب بانکها

دوم- تغییر در قانون مالیات‌ها به نحوی که بانکها بتوانند هر ساله قسمت عمده‌ای از تسهیلات بد خود را از ترازنامه خارج کرده و سوخت شدن این تسهیلات به‌عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی تلقی شود. روش اول در ژاپن، سوئد و چین انجام شده و موفق بوده است. روش دوم طی چهار سال گذشته و پس از بحران مالی ۲۰۰۷-۰۸ در آمریکا اجرا شده است. بانکهای آمریکایی طی این مدت قسمت عمده‌ای از "تسهیلات بد" خود را به عنوان تسهیلات سوخت شده از ترازنامه‌های خود خارج کرده، امروزه تقریباً به وضعیت قبل از بحران برگشته‌اند.

در بخش قبلی در مورد تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات در چین (۶/۲ درصد) در پایان سال ۲۰۰۷ در مقایسه با رقم مربوط به ۱۰۰ بانک بزرگ دنیا که (۲/۵ درصد) بود

^۱ Impaired Loans

صحبت شد. این آمار برای همه بانک‌های خودمان در دست نیست، لیکن برای بانک‌های غیردولتی به شرح زیر است:

میلیون ریال

۱۳۸۹/۱۲/۲۹	۱۳۹۰/۱۲/۲۹	
۱,۳۷۵,۷۱۲,۶۸۰	۱,۶۸۹,۸۱۱,۰۴۰	تسهیلات جاری
۷۷,۹۹۰,۵۵۰	۱۱۰,۴۵۸,۴۰۸	سررسید گذشته
۸۰,۳۳۷,۱۴۰	۹۷,۸۲۳,۸۲۳	معوق
۱۶۵,۲۷۸,۴۸۶	۱۸۱,۶۸۷,۶۳۸	مشکوک الوصول
۱,۶۹۹,۳۱۸,۸۵۷	۲,۰۷۹,۷۸۰,۹۰۸	جمع
(۹۸,۰۹۵,۵۳۲)	(۱۱۴,۱۵۴,۳۸۲)	کسر می شود: تعدیلات
۱,۶۰۱,۲۲۳,۳۲۵	۱,۹۶۵,۶۲۶,۵۲۶	خالص تسهیلات اعطایی
۲۰/۲	۱۹/۸	نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات

از آنجایی که نسبت فوق برای بانک‌های دولتی احتمالاً بیش از رقم ۲۰٪ درصد است، می‌توان به وخامت موضوع پی برد. تأسیس شرکت یا شرکت‌هایی که تسهیلات غیرجاری بانک‌ها را خریداری کنند الزامی است و باید هر چه سریعتر در این مورد اقدام شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد در این مقطع زمانی، اقتصاد متکی به بازار سیاست مورد قبول اقتصادی اکثر کشورهای جهان شده است. یکی از ویژگی‌های اصلی این سیاست، آسانتر کردن شرایط ورود به بازار برای بنگاه‌های جدید اقتصادی، نقل و انتقال ارز و فراهم آوردن بستر مناسب برای سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی است که سرانجام باعث افزایش رقابت شده و نتیجه آن به نفع مصرف‌کنندگان خواهد بود.

در مقابل این سیاست، لازم است مؤسساتی که قادر به رقابت نیستند یا تجدید ساختار شوند تا در مقایسه با رقبای بتوانند فعالیت کنند، یا اینکه دوران فعالیتشان سرآمده و حفظ این بنگاه واقعاً جایز نیست.

اکثر کشورهایی که در گذشته پیرو اقتصاد دولتی و کنترل شده بودند، امروزه علاوه بر آزادسازی‌های لازم برای تشویق رقابت و ترغیب به کارگیری سرمایه‌های داخلی و خارجی،

وسایل خروج بنگاه های اقتصادی ناکارا را در کشورهايشان، از طريق اجرائی کردن قوانین ورشکستگی پیشرفته که از دو قسمت بازسازی یا تسویه تشکیل شده است، فراهم کرده اند.

The 30 Companies of Dow Jones

No	Symbols	Date entered	Aug. 2012	Nov. 1999	Oct. 1985
1	MMM	1976	3M Co.	3M	3M
2	AA	1959	Alcoa Inc.	Alcoa Inc.	Alcoa Inc.
3	AXP	1982	American Exp.	American Express	American Express
4	T	1999	AT&T Inc.	AT&T	AT&T
5	BAC	2008	Bank America Corp.		
6	BA	1987	Boeing Co.	Boeing Co.	
7	CAT	1991	Caterpillar Inc.	Caterpillar	
8	CVX		Chevron Corp.		Chev.
9	CSCO	2009	Cisco system Inc.		
10	DD	1935	Du Pont & Co.	Du Pont	Du Pont
11	XOM	1928	Exxon Mobil Corp.	Exxon	Exxon
12	GE	1907	General Electric	GE	GE
13	HPQ	1997	Hewlett Packard Co.	HP	
14	HD	1999	Home Depot Inc.	Home Depot Inc.	
15	INTC	1999	Intel Corp.	Intel	
16	IBM	1979	Inter. Bus. Mach. Co.	IBM	IBM
17	JNJ	1997	Johnson and Johneson	J&J	
18	JPM	1991	JPMorgan Chase & Co.	JPMorgan Chase & Co.	
19	KFT	2008	Kraft Foods Inc.		
20	MCD	1985	Mc Donald's Corp.	Mc Donald	Mc Donald's Corp.
21	MRK	1979	Merck & Co Inc	Merck	Merck
22	MSFT	1999	Microsoft Corp.	Microsoft	
23	PFE	2004	Pfizer Inc		
24	PG	1932	Proctor and Gamble	P&G	P&G

25	RO	1987	The Coca Cola co.	Coca Cola		
26	TRV	2009	Travelers / Citi	Trav /Citi		
27	UTX	1939	United Technologies Co.	UTC	U.Tech.com	
28	VZ	2004	Verizon Comm Inc			
29	WMT	1997	Wal- Mart Stores	Wal- Mart		
30	DIS	1991	Walt Disney Co.	Walt Disney		
				25	Alied Signal	Alied Signal
				26	East Man Kodak	East Man Kodak
				27	General Motors	General Motors
				28	Intern. Paper Co.	Intern. Paper Co.
				29	Philip Morris	
				30	SBC Comm	SBC Comm
					19	American Can
					20	Bethlehem Steel
					21	Goodyear tire
					22	Inco
					23	international Harvester
					24	Owens-Illinois Glass
					25	Sears Roebuck
					26	Texaco
					27	Union Carbide
					28	Us Steel
					29	Westinghouse
					30	Woolworth